



بهروز شعبیی، دبیر جشنواره فیلم کوتاه تهران شد

با حکم راند فریدزاده، رئیس سازمان سینمایی، بهروز شعبیی دبیر چهل و دومین دوره جشنواره بین المللی فیلم کوتاه تهران شد. شعبیی برای کارگردانی فیلم «دهلیز» برنده سیمرغ بلورین بهترین فیلم از سی و یکمین جشنواره فیلم فجر در بخش «نگاه نو» و برای فیلم «بدون قرار قبلی» در سال ۱۴۰۰ برنده سیمرغ بلورین بهترین فیلم از نگاه مردمی شده است. شعبیی همچنین برای فیلم تلویزیونی «برده نشین» نیز در سال ۱۳۹۳ برنده تندیس حافظ شد. شعبیی در دهه اخیر جز فعالیت حرفه‌ای در حوزه بازیگری و کارگردانی، سمت‌های اجرایی متعدد و مرتبط نیز داشته است. از جمله مسئولیت‌هایی که شعبیی در سال‌های اخیر داشته، دبیری جشنواره فیلم کوتاه رضوی، عضویت در کارگروه ارزیابی جشنواره بین‌المللی فیلم‌های کودکان و نوجوانان و عضویت در هیئت انتخاب و داوری چند جشنواره سینمایی دیگر است. چهل و دومین دوره جشنواره بین‌المللی فیلم کوتاه تهران پاییز امسال برگزار می‌شود.



توهین مجدد به مقامات عربستانی در صداوسیما

موضوع توهین‌های صداوسیما به شخصیت‌های مذهبی و سیاسی گویا تمامی ندارد. پس از آن‌که به کرات در برنامه‌های مختلف صداوسیما به شخصیت‌های سیاسی و مذهبی توهین شد و مدیران صداوسیما وعده دادند چنین خطایی تکرار نخواهد شد، بار دیگر در برنامه «سفر قند» شبکه قرآن، همین رفتار تکرار شد. در ویدئویی که از این برنامه دست‌به‌دست می‌شود، چند کودک دیده می‌شوند که نمایش بازی می‌کنند. در این نمایش گویا مقامات سعودی هدفونی خریداری کرده‌اند تا صدای مجری که مشغول خواندن خبرهای غزه است را نشنوند. اما وقتی مجری از فوتبالت صحبت کرد، آنها هدفون را برداشتند و به صحبت‌های مجری اخبار گوش کردند. پیش از این هم شبکه نسیم در یک برنامه اقدام به تمسخر وزیر خارجه سعودی کرده بود که پس از انتقادهای این موضوع، عذرخواهی کرد. این درحالی است که در عرصه سیاسی نیز مدت‌هاست دو کشور ایران و عربستان در حال تنش‌زدایی هستند.



حراج اثری ناشناخته از پیکاسو

مارینا پیکاسونوه پابلو پیکاسو-اعلام کرد، نقاشی آبرنگ ونسنان ون گوگ با نام «زن در جنگل» را در حراجی ساتبیز نیویورک به فروش می‌رساند. این اثر که در سال ۱۸۸۲ خلق شده، بین ۶۰۰ تا ۸۰۰ هزار دلار قیمت‌گذاری شده است. نقاشی، زنی با شال را در میان درختان لاهه نشان می‌دهد و در پشت آن منظره‌ای نیمه‌کاره از قایقی ماهیگیری دیده می‌شود که تاکنون در فهرست آثار ون گوگ ثبت نشده بود. مارینا پس از مرگ پدر بزرگش در سال ۱۹۷۳ با چالش‌های مالی و روانی روبه‌رو شد. پس از دعوای حقوقی طولانی، او بخشی از میراث ۱۰ هزار اثری پیکاسو را به ارث برد و ثروتمند شد. این اثر ون گوگ را در سال ۱۹۸۷ از یان کروگیر-فروشنده آثار هنری-خرید. همچنین قرار است یک روز پیش از حراج اثر پیکاسو، نقاشی «در میان تپه‌های شنی» ون گوگ با قیمت ۲ تا ۳ میلیون دلار در حراجی کریستی به فروش برسد.

بهنام تشکر از مسیرش، دیروز و امروزش می‌گوید

من فقط بازیگرم



سوسن سیرجانی
خبرنگار گروه فرهنگ

۱۴ سال از آن روزها می‌گذرد که دکتر نیما افشار در سریال «ساختمان پزشکان» به کاراکتری قابل توجه در میان مخاطبان تلویزیون تبدیل شد. بعد از آن بازیگر این شخصیت یعنی بهنام تشکر، راه طولانی‌ای را تا امروز طی کرد. تشکر سال‌ها با زوج کمدی خود یعنی

هومن برق‌نورد، در سریال‌های متعدد طنز حضور پیدا کرد و مخاطبان هم این زوج را دوست داشتند. اما از جایی به بعد بهنام تشکر تغییر مسیر داد و با بازی در آثار جدی و در کنار آن رئالیستی‌شوهای نمایش خانگی، مسیر متفاوتی را در بازیگری پی گرفت. اما در یک سال اخیر، دو اتفاق مهم در کارنامه این بازیگر افتاد، بازی در نقش فرعون در فیلم «موسی کلیم‌الله» و حضور در نمایش «شک» در نقش یک پدر روحانی. با بهنام تشکر از مسیری که طی کرده، فرازونشیب کارنامه کاری‌اش و این روزهایش حرف زدیم.



«شما در دو سال اخیر یکی از پرکارترین بازیگران ایرانی بودید. در نمایش خانگی، تلویزیون، سینما و تئاتر. در حال حاضر هم که تنها دوماه از سال گذشته، فیلم «موسی کلیم‌الله» را در اکران سینماها دارید و روی صحنه تئاتر با نمایش «شک» حضور دارید. البته از اواسط دهه ۹۰ تقریباً هر سال حداقل در یک یا دو تا از این فضاهای نمایشی حضور داشته‌اید. پرکار بودن برای شما یک انتخاب است یا اتفاقی و براساس پیشنهادات پیش می‌آید؟

واقعیت این است که این هم انتخاب است، هم براساس پیشنهادات اتفاق می‌افتد. در یک مقطع سنی برخی پیشنهادها سراغ آدم می‌آید که می‌توانید انتخاب کنید که به سمت آنها بروید یا نه. اما مشخصاً درباره تئاتر اینطور است که من تلاش می‌کنم حداقل سالی یک تئاتر را بر صحنه داشته باشم. این همیشه برای من یک انتخاب بوده. اگر پیشنهاد قابل قبولی از سمت تئاتر نداشته باشم، جست‌وجو می‌کنم تا متن‌های خوبی را پیدا کنم و به کارگردان‌ها پیشنهاد بدهم. این موضوع و روند درباره تئاتر برای من بسیار جدی و مهم است. اما درباره سینما، تلویزیون و پلتفرم‌ها معمولاً پیشنهاد می‌شود و من انتخاب می‌کنم که در کدام پروژه حضور پیدا کنم.

«در دو کار اخیرتان در تئاتر یعنی «توافقتنامه» و «شک» با کوروش سلیمانی همکاری کرده‌اید. دوهمکاری‌ای که توجه مخاطب را جلب کرده. نقش‌تان در «توافقتنامه» تقریباً کمدی بود، اما اینجا در «شک» یک نقش سیاه است.

نقش پدر فلین در «شک» سیاه نیست، یک نقش جدی است. مادر انتهای نمایشنامه متوجه نمی‌شویم که آیا پدر روحانی آن کار را انجام داده یا نه؟ البته عقاید متفاوت است و زمانی که تماشاگران از سالی تئاتر بیرون می‌آیند، هنوز در آن شک مانده‌اند. به نظر می‌رسد خود نویسنده هم مبنا را روی شک گذاشته است. همچنین تصور می‌کنم که کوروش سلیمانی مسیری را در کارگردانی پیش رفته که آن شک موجود در قصه همراه تماشاگر تا انتها باقی می‌ماند. البته برخی هم به قضاوت می‌رسند که این اشکالی ندارد. اما مشخصاً اگر بخواهم راجع به نمایش «شک» و انتخابش بگویم، من متنی را می‌خواندم و متوجه شدم چه متن تأثیرگذاری است. چون نویسنده آن به یک مسئله حساس در یک لوکیشن حساس پرداخته بود. همچنین چون متأسفانه راجع به این مسئله اخبار زیادی وجود دارد و به همین دلیل زمانی که تماشاگر با چنین فضایی روبه‌رو می‌شود، کار تأثیر لازم را بر او می‌گذارد. یکی از دلایلی که نمایش قبلی یعنی «توافقتنامه» هم دیده شد، همین بود. نمایش براساس ترجمه خوب شهلا حائری بود که برای اولین بار در ایران ترجمه شده بود و کوروش آن را به من پیشنهاد داد. این را هم باید بگویم که من و کوروش سال‌ها قصد داشتیم با هم همکاری کنیم و خوشبختانه در این دونمایش این اتفاق پیش آمد و من از این همکاری بسیار خوشحال هستم.

«از اول قصد داشتید خودتان نقش پدر فلین را بازی کنید؟ چقدر

با این کاراکتر درگیر شدید؟

از اول گوشه‌چشمی به این نقش داشتم. اما این موضوع را با کوروش در میان گذاشتم. زمانی که او متن را خواند گفت، باید نقش پدر فلین را خودت بازی کنی و فکر کردم الان وقتش است که نقشی با مختصات این پدر روحانی را بازی کنم.

«صحنه تئاتر قدرت بازیگری یک بازیگر را بهتر از سینما و تلویزیون به نمایش می‌گذارد. بازی شما هم در تئاتر تأثیرگذارتر از قاب تصویر است. مخصوصاً در این دونقش اخیر که انگار به پختگی در بازی رسیده‌اید.

نمی‌دانم چه اتفاقی افتاده است. مخصوصاً درباره این دو کار اخیر، شاید به‌خاطر تجربیاتی که به آن رسیدم و در نیمه دوم ۴۰ سالگی هستم، احساس می‌کنم انگار این نقش‌ها قربانی ما من دارند. مثلاً درباره نقش پدر فلین در نمایش «شک»، وقتی در یک مخصصه‌ای قرار می‌گیرد یا بهتر بگویم در یک مخصصه‌ای قرار داده می‌شود، تمام تلاشش را می‌کند که به سایر افراد بگوید، زود قضاوت نکنید؛ هنوز پاژل‌هایی مانده که شما باید آنها را کنار هم بچینید تا به یقین برسید. ماجرا بر سر قضاوت کردن و شک است. موضوعاتی که در زندگی همه ما وجود دارد. درباره خریدهای مهم زندگی، رفاقت‌ها، میان افراد خانواده و... شک همیشه همراه ماست. اما اینکه شک را با فاصله تبدیل به قضاوت کنیم و به یقین برسیم، خیلی موضوع تأثیرگذاری است. ویل دورانت جمله‌ای دارد که در آن می‌گوید: «کسی حق ندارد راجع به اعتقاد حرفی بزند، مگر اینکه شاگردی شک را کرده باشد». یعنی شما باید درباره هر چیزی شک و تأمل کنید، بعد ببینید که آیا واقعاً می‌توانید به قضاوت برسید یا نه؟ چیزی که نقش پدر فلین را به من نزدیک می‌کرد، این بود که من هم وقتی در شرایطی مانند او قرار می‌گیریم و در شک یا سوءظن گیر می‌کنم، کاری را انجام می‌دهم که پدر فلین کرد، یعنی آن مکان یا شرایط را ترک می‌کنم. ترک کردن پدر فلین خیلی به‌دلم نشست. کاراکتری که در نمایش «توافقتنامه» هم برعهده‌ام بود، همین مختصات را داشت. آن کاراکتر در شرایطی بود که من در لحظه، آن را در زندگی خودم داشتم. شاید به همین دلیل است که تئاتر برای ما که جدی‌تر به آن نگاه می‌کنیم، گاهی وقت‌ها حکم‌تراپی را دارد و این خیلی کمک‌کننده است که نقش و قصه را تحلیل می‌کنیم و بعد با تماشاگر به اشتراک می‌گذاریم. از طرفی به‌نظر خیلی خوش شانس هستم که در این دهه کاراکترهایی سراغم می‌آید که جای تحلیل دارد.

«موضوع دیگری که درباره تئاتر مطرح است، بالا رفتن تعداد اجراها در یک مقطع زمانی است. به‌دلیل رشد سالن‌های خصوصی و فضاهای اجرا، تئاترهای زیادی روی صحنه است، اما تعداد بسیار کمی از آنها مانند تئاتر «شک» تماشاگر را پس از دیدن اجرا به فکر وامی‌دارد.

دقیقاً من و کوروش سلیمانی هم به همین نتیجه رسیدیم که متن‌های این‌چنینی سال‌هاست که جای‌شان در تئاتر ما خالی است. متن به‌شدت فنی نوشته شده و جدای از اینکه جایزه پولیتزر را دریافت کرده، خیلی تئاتری است. ما هم تلاش کردیم با مراقبت سراغ آن برویم. البته فضایی که در زمان خوانش متن خود نمایشنامه به ما می‌داد یک بخش بزرگی از راهی بود که ما در مسیر اجرای این نمایشنامه باید طی می‌کردیم تا بتوانیم متن را سالم تحویل تماشاگر بدهیم.

«در نشست خبری فیلم «موسی کلیم‌الله» گفته بودید، اینکه ابراهیم حاتمی‌کیا نقش فرعون را به شما پیشنهاد داده، برایتان ترسناک بوده. چطور به پروژه موسی پیوستید؟ از مواجهه‌تان با این نقش بگویید.